

حکم کردن

(داوری، قضاوت، تادیب، پند و اندرز دادن / (۱۹ نوامبر مورخ ۲۸ آبان ۱۳۸۶)

در چه شرایطی میتوان حکم کرد:

۱. برخورد با معلمین کذب: اعمال ۲۰: ۲۱
۲. برخورد با تعالیم غلط: ۲ تیموتائوس ۴
۳. شبیه مسیح رفتار کردن: ۲ تیموتائوس ۱: ۷-۸
۴. روابط جنسی قبل و بعد از ازدواج: ۱ قرنتیان ۷
۵. صبر و شکیبایی در مشکلات: یعقوب ۱
۶. پول: ۱ تیموتائوس ۶
۷. غیبت و دو بهم زنی: ۱ پطرس ۲
۸. غرور: ۱ قرنتیان ۴

قسمت اول ضبط مقدمه

قسمت دوم ضبط

قسمت سوم ضبط

چه کسی بر اساس کلام خدا می تواند دیگران را نصیحت (داوری، قضاوت، تادیب) کند؟

۱. کسی که خود شاهد خوبی برای مسیح است: رومیان ۱۵: ۱۴ و متی ۷: ۳-۵
 ۲. کسی که می داند کلام خدا در موردی که می خواهد نصیحت کند چه می گوید: رومیان ۱۵: ۱۴
 ۳. قلبش برای قوم خدا می طپد:
- ۱ قرنتیان ۴: ۱۴ اینرا نمی نویسم تا شما را شرمنده سازم، بلکه همچون فرزندان عزیزم ...
- اعمال ۲۰: ۳۱ شب و روز با اشکها در دعا برای شما...
- ۲ تسالونیکي ۳: ۱۵ مثل یک برادر...
- افسیسیان ۶: ۴ مانند پدری برای فرزندان خود...

انگیزه صحیح برای نصیحت (داوری، قضاوت، تادیب) کردن:

- یعنی آنقدر به زندگی برادر و خواهرم اهمیت می دهم که حاضر نیستم ایشان با کمتر از آنچه خدا برای ایشان می خواهد زندگی کنند.
- یعنی حساس بودن به صدای خدا برای زندگی دیگران.
- یعنی به زندگی برادر و خواهرم بیشتر از خودم اهمیت دادن.

قسمت چهارم ضبط

- پند دادن در لغت بمعنای اینست که از نفوذی که بر روی همدیگر داریم استفاده کرده و یکدیگر را به اطاعت از اراده خدا که در کلامش آشکار شده، تشویق کنیم.

چرا می بایست یکدیگر را نصیحت (داوری، قضاوت، تادیب) کنیم؟

۱. فرمان کلام خداست (در عین حال کاری است بسیار نیک): کولسیان ۳: ۱۶ و اول تسالونیکي ۵: ۱۴
۲. همه ما نقاط کوری داریم که آنها را اشتباه می نامیم: مزامیر ۱۹: ۱۲ و ۱۳۹: ۲۳ - ۲۴
۳. برای خداپسندان زندگی کردن، تقدس و بلوغ روحانی، ما به تعلیم و تصحیح نیاز داریم: کولسیان ۱: ۲۸ - ۲۹.
۴. باعث ایجاد روابط عمیق می شود: ۱ تسالونیکي ۲: ۸
۵. زیرا گناه زندگی ایمانداران را نابود می کند: رومیان ۶: ۲۳
۶. زیرا ما اعضای یک بدن هستیم و گناه یکی روی همه اثر می گذارد: رومیان ۱۲: ۴ -

چگونه یکدیگر را پند دهیم؟

- قدم اول:** زندگی خود را اول آزمایش کن (متی ۷: ۳ - ۵).
- قدم دوم:** مطمئن باشید که کلام خدا را در مورد آن مسئله می دانید و نظر خودتان را نمی گوئید (۲ تیموتائوس ۲: ۱۵).
- قدم سوم:** انگیزه خود را چک کنید (۱ قرنتیان ۴: ۱۴) عصبانیت، خودخواهی، کوچک کردن دیگران و ...
- قدم چهارم:** وقتی برای ملاقات خصوصی معین کنید: (متی ۱۸: ۱۵)
- قدم پنجم:** با پرسیدن سئوالهای مختلف مطمئن شوید که آنچه می خواهید در مورد آن صحبت کنید، حقیقت دارد.
- قدم ششم:** کلام را به ایشان نشان بدهید، تا مبادا تفسیر شما از آیه مورد نظر بیان شود.
- قدم هفتم:** اگر امکان دارد برنامه ای ترتیب دهید که زمان مناسب را برای برطرف شدن احساسات نابجا داده باشید.

در چه مواردی نباید داوری کرد

مورد اول: در مورد نجات افراد میباشد / اما فراموش نکنید که درخت را از میوه اش میتوان شناخت

مورد دوم: رومیان ۱۴:۱۳ با اختلاف سلیقه همدیگر را محکوم نکنیم / مردم را بخاطر اختلاف سلیقه شان یا ضعف ایمانی با ما محکوم نکنید و باعث لغزش آنها مشوید.

جواب به برخی سوالات

(۱) گفته شد که کسی میتواند داوری یا پند و اندرز دهد که خود نمونه خوبی باشد، آیا منظور اینست که

فقط در موردی که میخواهد قضاوت کند باید نمونه خوبی باشد یا در هر مورد؟

پاسخ: هر کدام از ما در مسیح نقاط ضعف و نقاط قوت داریم طبیعتا در آنجائیکه نقاط قوت داریم افراد را نصیحت و بنا میکنیم و سعی میکنیم دیگران را برای غلبه به ضعفهایشان یاری کنیم و در قسمتهایی که ضعف داریم از پند، اندرز و تجربیات دیگران کمک میگیریم.

(۲) بعضی از کلیساها تعلیم میدهند که بعد از ایمان آوردن باید دست روی افراد گذاشته شود تا تعمید

روح بیابند و نشانه آن صحبت کردن به زبانهاست نظر شما چیست؟

جواب: ما در کلیسا افراد را به دو گروه تعمید روح یافته ها و تعمید روح نیافته ها تقسیم نمیکنیم. کاریکه مسیح بر روی صلیب برای ما انجام داد در حینیکه روح خدا بقلب ما آمد کار را برای ما تمام کرد. لیکن مسیر زندگی روحانی ایماندار بسمت رشد حرکت میکند که بقوت روح القدس در قدوسیت در تک تک ما انجام میشود. این مسیر آغازی دارد که نجات ماست. در اینجا روح خدا بر ما قرار میگیرد از آنجا ببعدها برای پری روح دعا میکنیم و مدام در این مسیر رشد میکنیم و حرکت میکنیم. این حرکت و رشد ما با زحمت کشیدن و کلام خواندن است. با دست گذاشتن بر روی افراد صورت نمیگیرد و نمیتوان راه صد ساله را اینگونه یکشبه طی کرد. کلام خدا بسادگی تعلیم میدهد که کار مسیح بر روی صلیب تمام شد اما از آنجا ببعدها بکمک روح القدس بر اساس یوحنا فصل ۲۰ آیات آخر با آن مسیحی که یافته باید آنجا عرق بریزه، کتابمقدس را مطالعه کنه، سوال کنه، جستجو کنه تا یگروز خودش معلم بشه (عبرانیان ۵). این مسیر رشد هست و راه فراری از آن نیست. عبارت تعمید روح القدس عبارتی نیست که کسی در آنجا بخواد روی کسی دست بگزاره. در کتاب اعمال رسولان اگر با نهادن دستها عطایی بکسی منتقل شد دلیلش آنست که آنها رسول بودند. رسولان مسیح دیگر الان بین ما نیستند. من بعنوان یک خادم کتابمقدس این اقتدار را ندارم که دست روی کسی بگزارم و عطایی بیابه، مگر اینکه مشخصات رسولان مسیح در من باشد. یعنی (۱) مسیح

زنده را بچشم دیده باشم (۲) قدرت زنده کردن مردگان و آیات و معجزات در من دیده بشه (۳) آنچه میگویم کلام خدا باشد. یعنی سخنان مرا چون کلام خدا بنویسند و به مردم بدهند.

(۳) در بعضی کلیساها روی بعضی از عطایا مثل صحبت کردن به زبانها یا هر چیز دیگر تاکید میکنند، نظر

شما چیست؟

جواب: اول قرن‌تین فصل ۱۲ الی ۱۴، رومیان فصل ۱۲ و افسسیان فصل ۴ از بیست و یک عطای روح القدس صحبت میکند. برای خادمین مسیح این عطایا از یک ارزش برخوردارند. وقتی پولس میگوید عطای نبوت را بغیرت بطلبید منظورش این نیست که این عطا ارزشش از عطای سخاوتمندی، رافت و محبت، مهمان نوازی یا تجرد بخاطر مسیح، فقیرانه زندگی کردن، بیشتر است. نمیتوان با عمل دست نهادن بر کسی این عطایا را منتقل کرد و باعث شد که شخصی فقیرانه زندگی کردن را بخاطر مسیح انتخاب کند. همه این عطایا با هم از ارزش والایی برخوردارند و همه با هم حرکت میکنند تا ما بتوانیم کلیسای پاک و بی لکه داشته باشیم و مردم آنجا برکت بگیرند. هیچگاه استفاده از عطایا این نبوده که ما از ما مثل هنرپیشه گان یک ستاره بسازد که بتوسط آنها دی وی و فیلمهای ما را پخش کنند. هیچگاه منظور و هدف مسیح و رسولانش از عطایا این نبوده.